

مقدمه‌ای بر نظام چینش اثاث و اسباب زندگی

در خانه‌های سنتی ایران

مریم مسّاحی خوراسگانی

دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات معماری ایران، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان

محسن عباسی هرفته

عضو هیئت علمی دانشکده هنر و معماری دانشگاه یزد

مریم قضاوی

دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات معماری ایران، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان

مقدمه

مقاله حاضر با هدف آشنایی با اثاث و اسباب زندگی ایرانی و نحوه چیدمان آن‌ها با رویکردی معمارانه در خانه‌های صفویه و قاجار نگاشته شده است. جامعه مورد مطالعه خانه‌های مردم عادی است و با هدف بارز شدن تمایزها به خانه‌های اشراف و خانواده‌های حکومتی نیز اشاره می‌گردد. تحقیق از نوع تفسیری تاریخی است و جمع‌آوری شواهد با روش کتابخانه‌ای (کتب و اسناد تصویری مربوط به بازه زمانی قاجار و صفویه) صورت گرفته است که بخش عمده این اسناد تصویری مربوط به مستشرقان است.

در رابطه با آنچه سیاحان و مورخان از دیدار با ایران نوشته‌اند باید گفت بخش اعظم مطالب در مورد اثاث خانه‌ها به صورت توصیفی است و کمتر تحلیلی صورت گرفته است. در سفرنامه‌ها، اشاراتی محدود و مختصر در باب توصیف موضوع چیدمان داخلی خانه‌ها بیان شده است که از دلایل این قلت می‌توان به مواجهه غیرمستقیم مستشرقین با اندرون خانه‌های مردم عامی اشاره کرد. رابطه محدود مسلمانان با غیرمسلمانان و وجود قوت تقیدات دینی و عرفی حاکم بر جامعه منجر به تفکیک آشکار اندرونی (حرم) و بیرونی شده، ارتباط سفرنامه‌نویسان را با آنچه در داخل خانه‌ها می‌گذرد سلب کرده است. در این میان اقلیت‌های مذهبی که احساس قرابت بیشتری با مورخان غیربومی دارند تمایل بیشتری به پذیرایی از ایشان داشته‌اند. به عنوان مثال می‌توان به هولتسر، سیاح و عکاس اروپایی اشاره کرد که کمتر تصویری از اندرون خانه‌های معمول ایران دارد در حالی که تصاویر بسیاری را در خانه‌های منطقه جلفا در اصفهان به ثبت رسانیده است. همچنین برخی مورخان مانند پولاک^[۱] به اقتضای

۱- یاکوب ادوارد پولاک (Jakob Eduard Polak) (۱۸۱۸ در مورژینا، بوهیم-۱۸۹۱ در وین) فرزند یک خانواده بسیار فقیر یهودی بود. او تحصیلات خود را در رشته‌های پزشکی و مردم‌نگاری در دانشگاه‌های وین و پراگ به پایان رساند و در رشته پزشکی زنان تخصص گرفت. پولاک به دعوت امیرکمیر برای تدریس در دارالفنون همراه با شش استاد دیگر اتریشی در سال ۱۲۳۰ هج، پیش از گشایش دارالفنون به ایران آمدند. او با تربیت دانش‌آموزان دارالفنون و تألیف اولین کتب پزشکی مدرن، نقشی کلیدی در معرفی پزشکی نوین به ایران ایفا کرد. دکتر پولاک در سال ۱۲۳۴ هج، پس از دکتر کلوله و قبل از استخدام دکتر تولوزان، طبیب مخصوص ناصرالدین شاه بود و پس از ۱۰ سال اقامت در ایران به وطن خود بازگشت. پولاک در آغاز به زبان فرانسه تدریس می‌کرد، ولی ضعف ترجمه او را واداشت تا به آموختن زبان فارسی بپردازد. او پس از شش ماه، درس پزشکی



پیشه و تخصص (پزشکی) فرصت بیشتری برای نفوذ به خانه‌های ایرانی داشته‌اند.

در تاریخ‌نگاری‌های نادر اما مبسوط افرادی مانند رنه دالمانی^[۲] و دیگر مورخان می‌توان کلیاتی از کیفیت ااث و چینش آن‌ها در درون خانه‌ها یافت. در تحقیق پیش‌رو سعی شده با تحلیل یافته‌های موجود تصویری کلی از چیدمان اثاثیه در فضاها فراهم گردد.

با عنایت به این موضوع در مقاله حاضر دو سوال پی‌گرفته شده است:

۱- کیفیت ااث خانه‌های صفوی و قاجار چگونه است؟

۲- نحوه چیدمان و بهره‌برداری از این اثاثیه به چه صورت بوده است؟

در ابتدا ذکر این نکته ضروری است که منظور از ااث، در این تحقیق اثاثیه منقول و قابل حمل است و پرداختن به مصادیق وابسته به معماری داخلی بنا مانند کاغذدیواری، نقاشی و تزئینات معماری در روند انجام تحقیق مطرح نبوده است. در واقع اسباب و وسایلی لحاظ گشته‌اند که خود عناصری از معماری داخلی هستند و در ارتباط غیرمستقیم با کالبد بنا، متأثر از آن و تأثیرگذار بر آن هستند.

انواع ااث خانه‌های سنتی

در سفرنامه‌ها به کرات به سادگی زندگی ایرانیان اشاره شده است. به عنوان نمونه گاسپار درویل^[۳] افسر فرانسوی که در زمان فتحعلی شاه قاجار به ایران سفر نمود در سفرنامه خود می‌نویسد: «در هیچ کشوری نمی‌توان آسان‌تر و کم‌خرج‌تر از ایران اسباب و لوازم خانه را فراهم خود را به فارسی ارائه کرد.

۲- هانری رنه دالمانی (Henry-René D'Allemagne) (۱۸۶۳-۱۹۵۰): سیاحی فرانسوی بود که به علت علاقه فراوانش به اشیاء عتیقه، مسافرت‌های زیادی به کشورهای مشرق زمین انجام داد. وی در سال ۱۸۹۸ م از شهرهای سمرقند، بخارا، خیوه و عشق آباد بازدید کرد. او در این سفر آثار هنری از جمله قالی، منسوجات زربافت و اشیاء فلزی قدیمی را جمع‌آوری کرد و با خود به فرانسه برد. وی سال بعد به فکر سفر به ایران افتاد و دو سفر به این سرزمین تدارک دید.

۳- Drouville Gaspard، افسر فرانسوی که در سال‌های ۱۸۱۲-۱۸۱۳ میلادی در پانزدهمین سال سلطنت فتحعلی شاه قاجار و ولایت‌عهدی عباس میرزا در ایران اقامت داشته است. او در گروه ژنرال گاردان بر اساس عهدنامه فین کن اشتاین به ایران آمد اما پس از ناکام ماندن تلاش‌های گاردان، به طور خصوصی به استخدام دولت ایران درآمد.

نمود زیرا حواشی زندگی مردم حتی متمول‌ترین آن‌ها به قدری محدود است که تدارک آن کار مشکلی نیست.» و یا مورخ هم عصر او، فون دوکوتزبوئه در سفرش همراه با سفیر کبیر روسیه به ایران، بیان می‌دارد: «از چیزهایی که عبث در انتظار آن بودم مشاهده زندگی با تجمل مشرق زمینی بود، قسمت خارجی خانه زینتی زائد بر تزئینات ظاهری چادر نداشت، در قسمت داخلی هم جز چند تخته قالی که عبارت از تمام ااث البیت بود چیز دیگری مشاهده نمی‌شد» (فون دوکوتزبوئه، ۱۳۶۵). مسیو اولیویه نیز که در مقطع انتقال سلطنت آغا محمد خان قاجار به فتحعلی شاه به ایران سفر کرده است موضوع مذکور را تأیید می‌کند. به نظر می‌رسد در خانه‌های عموم مردم سادگی و پرهیز از تجملات لحاظ می‌شده است اما در کنار آن خانه‌هایی از طبقات بالای اجتماع وجود داشته که در آن ااث و کالبد خانه از تزئینات بی‌بهره نبوده است. با در نظر گرفتن موارد مذکور و با رجوع به منابع مکتوب می‌توان اسباب خانه را به انواعی مثل فرش کف و اسباب نشستن، اسباب خواب، پرده، اسباب آشپزخانه، اسباب غذا خوردن، اسباب ضیافت، اسباب خوابیدن، لوازم روشنایی، اسباب سرمایش و گرمایش، اسباب تزئین و اسباب تفاخر دسته‌بندی کرد؛ که در ادامه به تفکیک بدان‌ها پرداخته خواهد شد.

۱- فرش کف

اصلی‌ترین عنصر در چیدمان خانه ایرانی فرش است که متناسب با سطح مالی مالک، کیفیت، جنس و طرح متفاوتی می‌یابد. در کالبد فضای معماری تنها فرش و پوشش‌های کنار آن وجود دارد. در تالار و اتاق خانه‌های ایرانی میز و صندلی و تخت خواب و آینه و میزگرد و تابلو وجود ندارد (شاردن، ۱۳۷۵). گاه به تقلید از اروپاییان چند صندلی فراهم می‌کنند اما هرگز از آن استفاده نمی‌کنند. اگر بخواهند یک بار رویش بنشینند موضوع را فراموش می‌کنند و چهار زانو می‌نشینند (پولاک، ۱۳۶۸). تنها در خانه‌های اعیان و اشراف و اقلاری از مردم که در ارتباط بیشتری با اتباع خارجی و اروپاییان بودند نمونه‌های میز و صندلی یافت می‌شود (تصویر شماره ۱).



تصویر شماره ۱: فردی از اشراف قاجار، ماخذ: هولتسر، ۲۸۳۱: ۳۰۴

در خانه‌های معمول ایرانی از صندلی استفاده نمی‌شده است و اهالی خانه بر روی نمد ضخیم و فرش‌های گسترده به صورت دوزانو می‌نشستند. پشت به جایی تکیه داده نمی‌شده و آزاد می‌مانده است. فقط در هنگام استراحت به بالشی که استوانه‌ای شکل است تکیه می‌دادند (تصویر شماره ۲). بر زمین نشستن ظرافت خاصی داشته است، به

دست‌ها نمی‌باید تکیه کرد و لباس‌ها را باید چنان مرتب داشت که زانو و پاها را کاملاً بپوشاند و به خصوص از پا هیچ چیز پیدا نباشد (تصویر شماره ۳).

تصویر چهار یک خانه سلطنتی متعلق به مظفرالدین شاه را نشان می‌دهد که در آن کاناپه‌ای در کنار اتاق قرار دارد و شاه بر آن تکیه زده است. حالت نشستن شاه بر این مبل به شیوه ایرانی و شبیه حالت نشستن بر روی زمین است. گویسی طبقه اشراف و سلطنتی نیز که در وارد کردن فرهنگ غرب و انطباق با آن پیشتاز است خود از اثاث وارده و فرهنگ وارداتی به شیوه ایرانی استفاده می‌کند.

در خانه‌های طبقه عامه قالی و کچه (نمد) نه فقط تنها زینت اتاق است بلکه تنها چیزی است که به چشم می‌خورد (دروویل، ۱۳۶۵). کف اتاق اول با نمد پوشانیده می‌شد و روی آن فرش می‌انداختند. بعضی قالی‌ها بسیار بزرگ بود. دورتادور اتاق نهالی‌های کوچک می‌انداختند. نهالی به بستر و یا تشکی گفته می‌شود (عمید، ۱۳۸۹) که نزدیک دیوارها به دور اتاق پهن می‌شود. در یکی از زوایای جنبی پتویی کلفت و ظریف بافت جای داشته که اغلب از کرک شتر است. صاحب خانه یا رئیس خانوار بر آن جای می‌گیرد (پولاک، ۱۳۶۸) (تصاویر شماره ۵، ۷ و ۶). کنار دیوار تمام اتاق پشتی یا مخدع چهارگوش قرار دارد.

۱-۱- فرش و تناسبات اتاق‌ها

به سبب کمیاب بودن چوب در این دوره نمی‌توان تیرهای با طول زیاد برای نگهداری سقف‌ها به کار برد و اطاق‌ها طول زیاد و عرض کم دارند. بنابراین طول فرش‌ها غالباً ۲ یا ۳ برابر عرض آن‌هاست. از طرفی اقتصاد در بافتن این فرش‌ها نقش داشته است. فرش کم عرض دستگاه کم خرج‌تری دارد و به صرفه‌تر است. در این دوره فرش یکپارچه به اندازه اطاق هیچ معمول نبود. به رسم اروپائیان سراسر یک اتاق را با یک تخته فرش نمی‌پوشانند چون فرش‌های ایرانی به علت ضخامت و ریزبافی بسیار سنگین است (پولاک، ۱۳۶۸) و (مستوفی، ۱۳۸۸) و جابجایی آن‌ها دشوار است.



تصویر شماره ۲: زنی با قلیان، سوروگین، ۱۳۸۲



تصویر شماره ۳: مردی تکیه داده بر پشتی، صافی، ۱۳۶۸



تصویر شماره ۴: مظفرالدین شاه در تبریز، مشکوٰۃ المملک، ۱۳۷۷





تصویر شماره ۸: ضخامت فرش نمدی، مأخذ: سوروگین، ۱۳۸۲



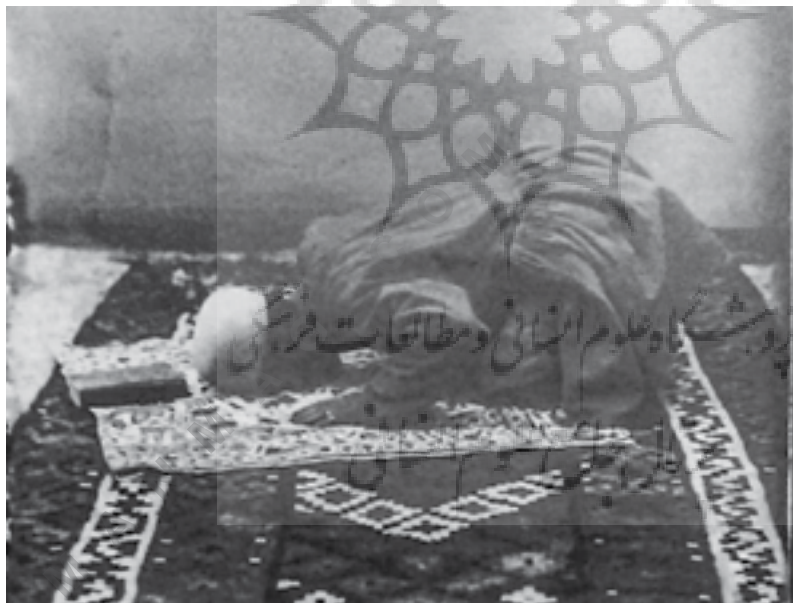
تصویر شماره ۵: میان فرش و نهالی ها، مأخذ: سمسار، ۱۳۸۲



تصویر شماره ۶: نهالی های دور اتاق، مأخذ: سمسار، ۱۳۸۲



تصویر شماره ۷: نهالی و اسباب خواب، مأخذ: سمسار، ۱۳۸۲



تصویر شماره ۹: گلیم در اتاق، مأخذ: هولتسر، ۱۳۸۲

۳- اسباب آشپزخانه

لوازم آشپزخانه محدود بوده است و از چند عدد دیگ برای پخت و پز تشکیل می شده است. ایرانی ها برای پخت و پز از تاوه و روغن داغ کن که برایشان ناشناخته بود استفاده نمی کردند. در هر خانه بر حسب احتیاج تعدادی دیگ های بزرگ و کوچک یافت می شد که آن ها را داخل یکدیگر می گذاشتند و در سفر و حضر مورد استفاده قرار می دادند. هنگام سفر آن ها را در یک کیسه چرمی (دیگ بر) می گذاشتند و بر پشت قاطر حمل می کردند. لوازم آشپزخانه با چند عدد سیخ، یک کارد بزرگ، یک ساطور، یک دوجین سینی و

فرش های نمد بسیار ضخیم در اصفهان و نیشابور و یزد بافته می شد (تصویر شماره ۸) و برای فروش روانه شهرهای دیگر می شد (رنه دالمانی ۱۳۲۵). خانه هایی با درآمد کمتر به جای فرش گران از منسوج رنگارنگ و سفت و سخت که بادوام است ولی نرم نیست (گلیم) استفاده می کردند (تصویر شماره ۹).

۲- پرده

برای جلوگیری از ورود سرما و حفظ نزاکت پرده ای بلند تمام دیوار را می پوشاند. این پرده برای فقرا از جنس پنبه و برای اعیان از جنس شال ایرانی یا هندی است (پولاک، ۱۳۶۸) (تصویر شماره ۱۰). محرمیت و اذن دخول اغیار به خانه بنا به موازین شرعی و عرفی بسیار مهم بود. به همین منظور معبر بین بیرونی یا در اصلی خروجی به حرم در انتها با پرده ای بسته می شد. زنان و خواجهگان و گاه با کسب اجازه مخصوص طبیب به اندرونی راه می یافتند (پولاک، ۱۳۶۸).



تصویر شماره ۱۱: قوری زرین فام قرن ۱۱ هجری، مأخذ: بلر و بلمو، ۱۳۹۰



تصویر شماره ۱۲: انواع تنگ و بطری و گلابپاش آبگینه، ایران اواخر قرن ۱۲ و ۱۳ هجری، مأخذ: دبلیو فوریه، ۱۳۷۴



تصویر شماره ۱۳: ظروف چینی در ضیافت‌های دوره قاجار، مأخذ: سمسار، ۱۳۸۲

غذا خوردن به دست‌های خود اکتفا می‌کنند. زنان جداگانه در اندرون غذای خود را صرف می‌کنند (پولاک، ۱۳۶۸).

۵- اسباب ضیافت

در مهمانی‌ها قبل از شام و نهار چای یا شربت و قلیان می‌آورند. قدری بعد نوکران سفره و ظروف را مرتب می‌چینند. روی ظرف غذا یک سرپوش فلزی است که غذا سرد نشود. بعد و در حین غذا کسی صحبت نمی‌کند (رنه دالمانی، ۱۳۳۵). بعد از صرف غذا نوبت شستن دست و دهان می‌رسد. به ترتیب ارج و قرب مهمانان زودتر مورد پذیرایی آفتابه و لگن قرار می‌گیرند. پس از آن دستمالی از جیب بیرون می‌کشند و دست‌ها



تصویر شماره ۱۰: پارچه زینتی به عنوان پرده، مأخذ: هولتسر، ۱۳۸۲

چند عدد بشقاب کاشی غذاخوری تکمیل می‌شود. جمع کلی این اشیاء ارزش اندکی دارد و با بهایی مناسب قابل خریداری است. با این وجود دستگاه آشپزخانه بزرگان تراز اول بسیار مفصل‌تر است و دارای سرویس‌های چینی اعلاء و ظروف سرمیزی از نقره می‌باشد (دروویل، ۱۳۶۵) (تصاویر شماره ۱۱ الی ۱۵).

۴- اسباب غذا خوردن

اتاق مخصوصی برای غذاخوری در خانه‌ها وجود ندارد. سفره‌ای چرمین که روی آن کتان گلداری گسترده‌اند روی فرش پهن می‌کنند. این سفره شسته نمی‌شود و چربی و مایع از آن نمی‌گذرد.

بر مجموعه‌های گرد مسین یا نقره‌ای که برای گرم ماندن غذا با شال کوچکی پوشیده شده، خوردنی‌های گوناگون آورده می‌شود. دوری‌ها و قدهای پر از پلو، آبگوشت، خورش، کباب، شربت، دوغ، ترشی و مربا، سبزی و میوه همه مرتب و منظم بر سفره چیده می‌شود. ظروف مختلف به اندازه‌های غیرعادی اغلب از چینی اصل است که به علت علاقه خاص ایرانی‌ها به این نوع ظروف مبلغ بسیار زیادی برای آن‌ها پرداخته می‌شود (تصاویر شماره ۱۴ و ۱۵). از قاشق و چنگال و لیوان آب‌خوری کلاً خبری نیست و برای





تصویر شماره ۱۷: مجلس جشن و اوستاخوانی زرتشتیان یزد، سوروگین، ۱۳۸۲



تصویر شماره ۱۴: سفره و جزئیاتش، سمسار، ۱۳۸۲



تصویر شماره ۱۵: خانواده ارمنی در جلفا، مأخذ: هولتسر، ۱۳۸۲



تصویر شماره ۱۸: ظروف پایه دار پذیرایی طبقه اشراف، مشکوة الملک، ۱۳۷۷



تصویر شماره ۱۶: سفره نهار مهمانان عروسی عزیز السلطان، مشکوة الملک، ۱۳۷۷



تصویر شماره ۱۹: ظروف پذیرایی میهمانی عزیز السلطان، مشکوة الملک، ۱۳۷۷

قسمت اسباب خانه بوده است (رنه دالمانی، ۱۳۳۵). در خانه‌های سنتی ایران تخت خواب معمول نیست و اتاق خاص خوابیدن وجود ندارد. نهالی را روی قالی می‌گسترانند و هر جا که بخواهند می‌خوابند. در بالای تشک برگردانی است از مخمل کاشان و دیگر لحافی

را خشک می‌کنند. بعد از آنکه نوکران سفره را برچیدند به محض دریافت دستور، قلیان تعارف می‌کنند (پولاک، ۱۳۶۸). غالب تصاویر یافت شده از مهمانی‌ها مربوط به ضیافت شاهان و مناصب سلطنتی و نزدیک به سلطنت است (تصاویر شماره ۱۶ و ۱۹).

۶- اسباب خوابیدن

سیاحان در سفرنامه‌های خود به دشواری‌های خوابیدن به روش ایرانیان اقرار کرده‌اند و به این نکته اشاره داشته‌اند. بسیاری از آنان از وضع خواب در ایران متعجب می‌شدند و پس از امتحان به شیوه ایرانیان و به دلیل ناآگاهی از تمهیدات دقیق و نکته سنجی ایشان در مواجهه با محیط بیمار گشته‌اند.

اسباب رختخواب منحصراً شامل چند تشک و چند روانداز می‌شد و چندان ارزشی نداشت. با این حال پس از قالی‌ها و نمدها گرانبهاترین



تصویر شماره ۲۲: گهواره در خانه ایرانی، سوروگین، ۱۳۸۲

۷- لوازم روشنایی

چراغ‌ها با دو نوع مصالح ساخته می‌شوند:

الف: گل خام یا پخته لعابدار به اشکال مختلف، که با فتیله می‌سوزند (رنه دالمانی، ۱۳۳۵).

ب: آهن، مفرغ، برنز و یا مس

ثروتمندان از چراغ‌های چندفتیله آهنی و یا مفرغی استفاده می‌کردند. همچنین پایه‌های فلزی برای چراغ یا شمع با تزئینات بسیار کاربرد داشته‌اند (تصاویر شماره ۲۳ و ۲۴). رنه دالمانی و شیلا بلر در کتب تألیفی خود به شمعدان‌هایی اشاره می‌کنند که به صورت استوانه‌ای از مس و یا برنز ساخته می‌شده‌اند و به تزئینات دقیق و ظریف مزین بوده‌اند.

۸- اسباب سرمایش و گرمایش

۱-۸- بخاری دیواری

ایرانی برای چند ماه سرد خود را به سختی نمی‌اندازد. در منازل اعیانی تنها چند اتاق کوچک زمستانی دارای بخاری بوده است. بخاری عبارت است از یک فرورفتگی در داخل دیوار که از آنجا لوله‌ای به طرف سقف می‌رود. پوشش خارجی آن با گچبری، طلاکاری، اسلیمی و تحریر ابیاتی چند مزین گشته است (یولاک، ۱۳۶۸) و (رنه دالمانی، ۱۳۳۵) (تصویر شماره ۲۵).

۲-۸- کرسی

در اندرونی‌ها در زمستان کرسی یا تنور می‌گذارند کرسی منقل کوچکی است که با خاکستر پوشیده شده چارچوب مسقفی روی آن است و بر روی آن لحاف سنگین و جاجیمی که خوب پنبه‌دوزی شده است قرار دارد. در پشت سرشان

سخت عریض و طویل از کتان یا چلوار، آخرین جزء بستر متکایی است استوانه‌ای شکل که از طرفین آن منگوله‌هایی ضخیم آویخته شده است. استفاده از ملحفه کاری است زاید. زیرا آن‌ها با کلیجه می‌خوانند و بدین دلیل زبری مخمل را احساس نمی‌کنند (یولاک، ۱۳۶۸). کلیجه به جامه‌ای گفته می‌شود که بین روبه و آستر آن پنبه دوخته باشند. همچنین به نوعی نیم‌تنه بلند که دامن آن تا روی ران می‌رسد کلیجه می‌گویند (عمید، ۱۳۸۹) (تصویر شماره ۲۰). صبح نهالی و لحاف و نازبالش را در چادر شبی می‌گذارند و به صندوقخانه می‌برند (شاردن، ۱۳۷۵).

در تصاویر شماره ۲۱ و ۲۲ نمونه‌هایی از گهواره یا ننو دیده می‌شود که به گهواره ایرانی منسوب است. «ننو» نوعی گهواره بزرگ است که از چرم یا پارچه ضخیم می‌دوزند و دوسر ریسمان آن را به دو درخت یا دو دیوار مقابل، به هم می‌بندند (عمید، ۱۳۸۹). هنگام کار زنان با یک دست و یا با طنابی که نورا به شصت پای خود می‌بستند به تکان دادن آن می‌پرداختند (عسگری امینی ایمن آبادی، ۱۳۹۴).



تصویر شماره ۲۰: اسباب خواب، سمسار، ۱۳۸۲



تصویر شماره ۲۱: گهواره ایرانی، مأخذ: هولتسر، ۱۳۸۲





تصویر شماره ۲۴: تکیه مشیر السلطنه، مشکوة الملک، ۱۳۷۷



تصویر شماره ۲۵: بخاری دیواری، مأخذ: سمسار، ۱۳۸۲



تصویر شماره ۲۶: چاله کرسی و بخاری دیواری در اتاق خانه‌ای در اصفهان، داراب دیبا و همکاران، ۱۳۹۱



تصویر شماره ۲۳: پایه شمعدان قلمزنی روی برنز اصفهان سده ۱۱ هجری، مأخذ: بلرو و بلوم، ۱۳۹۰

بقچه‌های لباس یا پشتی برای تکیه دادن قرار می‌گیرد (پولاک، ۱۳۶۸) و (رنه دالمانی، ۱۳۳۵).

یک ذرع و نیم به دیوار بالای اطاق مانده، چاله‌ای برای قرارگیری زغال می‌کنند (مستوفی، ۱۳۸۸) و به چاله کرسی معروف بود (تصویر شماره ۲۶). در اندرون هیچ سوزاندن بخاری معمول نبود، چنانکه در بیرونی هیچ کس کرسی نمی‌گذاشت.

۹- اسباب تزئین

از جمله اسباب تزئین می‌توان به آینه اشاره کرد. آینه از لوازم ضروری خانه بوده است. آینه از زمان‌های بسیار قدیم در ایران معمول بوده است. در قرن ۱۷ ایرانیان آینه‌های مفرغی (آمیخته با نسبت زیادی نقره برای محافظت از زنگ‌زدن) را بر آینه‌های شیشه‌ای که تجار از ایتالیا وارد می‌کردند، ترجیح می‌دادند (رنه دالمانی، ۱۳۳۵). آینه‌ها به شکل دایره یا مستطیل و یا هشت ضلعی ساخته می‌شده‌اند. بعضی دارای دستگیره هستند و بعضی نیز دو شاخه‌ای برای آویز در پشت دارند. سطح کاملاً صیقلی و پشت آن‌ها به طرز قابل توجهی مزین می‌باشد و در غالب این تزئینات جملاتی نوشته شده که برای مالک آن از خدا طول عمر

تحقیق حاضر بر آن بوده است، گمانه‌هایی برای پاسخ به سؤالات در این زمینه ارائه نماید.

موضوع تحقیق در دو قالب خانه‌های معمولی در سطح عوام و خانه‌های طبقه اشراف مطرح شده است. در این جا باید متذکر شد که در خانه‌های اشراف به دلیل ارتباط بیشتر با دنیای غرب تمایل به ظواهر تجدد بیشتر است و با سرعت افزون تری آشکار می‌گردد. تجملات و تکلفات در این خانه‌ها به تبع شأنیت مالی و مقامی بیشتر است. اما در خانه‌های سطوح عامه وضع به صورتی دیگر است؛ ویژگی اصلی اسباب معیشت در این خانه‌ها سادگی و پرهیز از تجمل و اشرافی‌گری است.

فضای اصلی خانه ایرانی را فرش، گلیم و یا نمد، نهالی‌ها و تعدادی بالش شکل داده است. میز و یا صندلی در کار نیست. سفره بر روی زمین پهن می‌شود و از مهمانان نیز بر روی زمین پذیرایی می‌شود. نهالی‌ها دورتادور اتاق به همراه بالش‌هایی قرار گرفته است و فرش نمدی در میان است. فرش‌های کوچکتری به عنوان سرانداز و کناره در کنار فرش اصلی قرار گرفته‌اند و قابلیت تطبیق فرش کف با هر ابعاد و تناسبی را فراهم می‌کنند (تصویر شماره ۲۸).

در زیر فرش ممکن است چاله‌ای برای قرارگیری کرسی در زمستان تعبیه گردد که در فصول دیگر با خاک پر می‌شود. در غیر این صورت به شرط بضاعت از منقل و زغال برای گرمایش اتاق استفاده می‌شده است. آینه و شمعدان نقره از اهمیت وافری برخوردار است و بر طاقچه میانی دیوار اسپر و بر روی طاقچه پوش جای می‌گیرد. طاقچه‌ها ریزفضاهای بسیار مهمی هستند که قابلیت‌های فراوانی هم به جهت تزئین و هم به لحاظ رفع نیازهای کارکردی دارند. گاه با سایر اقلام زینتی در صورت وجود، مثل لاله‌ها، تنگ‌ها، شربت‌خوری‌ها، فنجان نعلبکی‌ها، طلاونقره تزئین می‌گشت و گاه جایگاه البسه و وسایل لازم برای امور روزمره بود. روشنایی اتاق از لاله‌ها و شمعدان‌های چند شاخه تأمین می‌گشت و در نمونه‌های ساده‌تر چراغ‌های گچی و یا گلی و آهنی نیز روشنی‌بخش خانه‌ها بودند. شب‌ها نهالی و یا تشکی با ضخامت بسیار زیاد بر زمین پهن می‌شد و با چند



تصویر شماره ۲۷: آینه با قطار بندی مقرنس، سوزوگین، ۱۳۲۸.

و ثروت و جلال و سعادت و قدرت درخواست شده است (رنه دالمانی، ۱۳۳۵). ایرانی‌ها بیش از سایر ملل عاشق آینه‌های بزرگ هستند و چون در ایران حمل و نقل این آینه‌ها خالی از اشکال نیست اغلب سالم به مقصد نمی‌رسند و کمیاب هستند و کسانی که دارای چنین آینه‌هایی باشند بسیار خوشبختند و برای آن‌ها ارزشی قایلند (رنه دالمانی، ۱۳۳۵) (تصویر شماره ۲۷).

از ابزار تزئینی طاقچه‌ها در اتاق‌ها علاوه بر وسایل خوش‌نمایی مثل جعبه و آینه، می‌توان به انواع شمعدان‌های بلور دو شاخه یا چند شاخه (جار) اشاره داشت (رنه دالمانی، ۱۳۳۵). اینها تزئینات اتاق اندرون بود و اطاق‌های بیرونی از حیث در و طاقچه جز یک تنگ‌روئی و یک کاسه بشقاب آبخوری و چند دانه لاله فنری و گاهی چهلچراغ و دیوارکوب بلور، اثاث دیگری نداشت (مستوفی، ۱۳۸۸).

جمع‌بندی

تحقیق در ویژگی‌ها و کیفیات اثاث و اسباب خانه‌های ایرانی حوزه‌ها و رویکردهای متنوعی را در برمی‌گیرد. آنچه در این تحقیق مدنظر بوده است رویکردی معمارانه به مسأله اثاثیه و چیدمان آن‌ها در فضای داخلی خانه‌های ایرانی قاجار و صفوی به عنوان بخشی از شاکله معماری داخلی ایرانی است. متون و مدارک موجود برای این موضوع جنبه‌های متفاوتی را مورد توجه قرار داده‌اند. غالب نوشتارها به جزئیات نقوش و تزئینات اثاث اشاره دارند و توصیف چیدمان کلی لوازم خانه در آن‌ها بسیار محدود صورت گرفته است. با این حال





تصویر شماره ۲۸: چیدمان فضای نشیمن یک خانه ایرانی. مأخذ: نگارندگان



تصویر شماره ۲۹: آرایش طاقچه و چینش کرسی در خانه‌های ایرانی. مأخذ: نگارندگان

رویه لحاف و ملحفه مزین می‌گشت. اسباب خواب از مهم‌ترین اثاث خانه بود و بعضاً در آن پارچه‌های نفیس به کار می‌رفت. اهل خانه لباس خواب (کلیجه) می‌پوشیدند و سر بر نازبالش می‌گذاشتند. صبح هنگام رختخواب در چادر شبی جمع می‌شد و در صندوقخانه یا گوشه اتاق جای می‌گرفت (تصویر شماره ۲۹).

آنچه که مسلم است آن که ایرانیان در طراحی لوازم و ابزار خانه در عین سادگی و بی‌تکلف بودن دقت و زمان بسیاری صرف نموده‌اند. سادگی و خلوص در چینش داخلی فضاها در تقابل با میزان ظرافت و دقت در اجرای نقوش تزئینی بر اسباب خانه، نشان از میل ایرانیان به سادگی در عین پیچیدگی و نفاست اثاث و اسباب خانه دارد. همینطور توجه به امکانات محیط در تعیین جنس اثاث و همچنین مرغوبیت مواد استفاده شده در آن‌ها و در پی آن حفظ دوام و انتقال اثاث از نسلی به نسل دیگر از موارد پراهمیت در شکل‌گیری اسباب و اثاث خانه بوده است؛ برای مثال در شهرهای حاشیه کویر ظروف سفالی و در شهرهای مناطق کوهستانی ظروف سنگی بیشتر به چشم می‌خورد.

آنچه اهمیت دارد آنکه تحقیق در این حوزه به عنوان بخشی از مظهر معماری در یک سطح و بخشی از معماری داخلی در سطحی دیگر می‌تواند در شناخت سبک و شیوه زندگی ایرانی بسیار راه‌گشا و کارگشا باشد و جا دارد معماران و سایر متخصصینی که در اندیشه ارتقاء سبک زندگی ایرانی بر پایه اصالت‌های این پهنه تمدنی هستند، به بازنشاسی هرچه بیشتر این حوزه مغفول از وجوه و سطوح مختلف مرتبط با معماری، همت گمارند. ■

منابع

- ۱- اولیویه، گیوم آنتوان (۱۳۷۱)، سفرنامه اولیویه، ترجمه محمدطاهر قاجار، تهران: اطلاعات، ۱۳۴۴-۱۹۹۳.
- ۲- بلر، شیدا و بلوم، جان‌تاتان (۱۳۹۰)، هنر و معماری اسلامی، ترجمه یعقوب آژند، تهران: سمت.
- ۳- پولاک، یاکوب اودارد (۱۳۶۸)، سفرنامه پولاک «ایران و ایرانیان»، ترجمه کیکاووس جهان‌داری، تهران: خوارزمی، ۱۸۹۱-۱۸۱۸ م.
- ۴- دلبلیو فریه، رونالد (۱۳۷۴)، هنرهای ایران، ترجمه پرویز مرزبان، چ ۱، تهران: فرزبان.
- ۵- دروویل، گاسپار (۱۳۶۵)، سفر در ایران، ترجمه منوچهر اعتماد مقدم، تهران: شبانویز.
- ۶- دیبا، داراب و ریوالت، فیلیپ و سانتلی، سرژ (۱۳۹۱)، خانه‌های اصفهان، ترجمه مریم قاسمی سیجانی، اصفهان: دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوارسگان.
- ۷- رنه دالمانی، هانری (۱۳۲۵)، سفرنامه از خراسان تا بختیاری، تهران: امیرکبیر، ۱۹۵۰-۱۹۰۷ م.
- ۸- سمسار، محمد حسین، ۱۳۸۲. کاخ گلستان (آلبوم خانه): فهرست عکس‌های برگزیده عصر قاجار. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور (پژوهشگاه).
- ۹- سوروگین، آنتوان (۱۳۸۲)، ایران از نگاه سوروگین، چ ۳، تهران: زمان، ۱۹۳۳-۱۸۴۰ م.
- ۱۰- شاردن، ژان (۱۳۷۵)، سفرنامه شاردن، تهران: توس، ۱۶۴۳-۱۷۱۳ م.
- ۱۱- اصافی، قاسم (۱۳۶۸)، عکس‌های قدیمی ایران، تهران: دانشگاه تهران.
- ۱۲- عمید، حسن (۱۳۸۹)، فرهنگ فارسی عمید، چ ۱، تهران: راه رشد.
- ۱۳- فون دولوتز، موریس (۱۳۶۵)، مسافرت به ایران، ترجمه محمود هدایت، تهران: جاویدان، ۱۸۶۱-۱۷۸۹ م.
- گهره و ننو در مازندران و روستای ایمن‌آباد و کروکلا، پایگاه اطلاع‌رسانی روستای ایمن‌آباد و کروکلا، تهیه و تنظیم: عسکری امینی ایمن‌آبادی. بازدید: ۱۲ بهمن ۱۳۹۴، قابل دسترس در: <http://www.imanabadkarokela.com/index.php>
- ۱۴- مستوفی، عبدا.. (۱۳۸۸)، شرح زندگانی من، چ ۱، تهران: زوار، از آقا محمدخان تا آخر ناصرالدین شاه ۱۳۲۹-۱۲۵۵.
- ۱۵- مشکوة‌الملك، محمدبن علی (۱۳۷۷)، گنج‌پیدا، چ ۱، تهران: میراث فرهنگی و دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- ۱۶- نیبور، کارستن (۱۳۵۴)، سفرنامه نیبور، ترجمه پرویز رجبی، تهران: توکا، ۱۷۳۳-۱۸۱۵ میلادی.
- ۱۷- هولتسر، ارنست (۱۳۸۲)، هزار جلوه زندگی: تصویری از ارنست هولتسر از عهد ناصری، تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی، ۱۲۵۱-۱۲۷۶ ه.ق.